يازدهمين روز خرداد ماه سال 1336 بود که پرويز در خانواده اي متدين در شهر همدان به دنيا آمد. دوران طفوليت خود را در سايه ي پدر و مادري زحمت کش و مؤمن پرورش يافت. پس از دوران کودکي وارد عرصه علم و دانش شد. او قبل از انقلاب با برادران انقلابي خود فعالانه و با شجاعت تمام در مقابل ظلم و ستم شاه ملعون، ايستادگي کرد. از کارهاي انقلابي او و برادرانش مي توان به پخش اعلاميه هاي امام خميني (ره)، رهبري گروهي در تظاهرات روز سي ام مهرماه سال 1357، که توسط ساواک تحت تعقيب قرار گرفت اما به کمک برادان و ديگر دوستانش موفق به فرار شد.

پس از به ثمر رسيدن انقلاب خونين اسلامي پرويز به اتفاق برادرانش دادگاه انقلاب را پي ريزي کرد. او در اين سال ها با وجود درس و فعاليت هاي انقلابيش از ورزش و ورزش کاري غافل نبود. وي در رشته هاي ورزشي کونگ فو و تکواندو مهارت بسياري داشت. و توانست بعنوان مربي، در ورزشگاه تختي بر پرورش جسم و روح جوانان بپردازد. او معتقد بود که همراه تقويت جسم بايد روح را نيز تقويت کرد بنابراين در همين راستا ورزش را با اصول اسلامي به ديگران آموخت و بخاطر پشتکار و تلاشش در اين زمينه از طرف مقامات به عنوان سرپرستي گروه رزمي ورزش استان همدان برگزيده شد.

پرويز در دادگاه انقلاب سمت دادياري داشت و به اين واسطه به شدت تلاش مي کرد تا منافقان و تبه کاران وابسته به رژيم نگون بخت پهلوي در جريان انقلاب را دستگير وبه سزاي اعمال کثيف و دژم گونه اشان برساند.

در دوران جنگ تحميلي پرويز همانند ديگر پرندگان عاشق تمام وابستگي ها و تعلقات دنيوي خود را از تن سبک بالش بيرون آورد و به ديار نور و بزم عاشقان شتافت. او به همراه برادرش در گروه شهيد چمران حضور مؤثري داشت. در اين عمليات هر دوي آنها به شدت مجروح گشتند.

با وجود جراحت سنگيني که بر تن داشت، روح خستگي ناپذيرش به او اجازه استراحت نداده و براي بار ديگر او را راهي جبهه هاي نبرد مي گرداند. اما اين بار پرويز جور ديگري مي جنگيد انگار ديگر قصد برگشت را نداشت.

او اين بار در رأس گردان نصر به دشمن حمله ور مي گردد اما از ناحيه پا تير خورده و مجروح مي شود. اما باز هم ساکت ننشسته وپاي مجروح خود را با پارچه اي مي بندد و با شجاعت تمام به سمت تانگ هاي دشمن رفته و پس از شکار چندين تانک عراقي، ناگهان از طرف يکي از تانک ها مورد هدف قرار گرفته و با گلوله کاليبر 50 تير از ناحيه شکم مورد اصابت قرار مي گيردکه بلافاصله توسط نيروهاي خودي به بيمارستان بانک ملي تهران منتقل و مورد درمان قرار مي گيرد.

اما خواست خدا چيز ديگري بود، انگار پرويز طاقت ماندن در اين کره خاکي را نداشت و چند روز پس از بستري شدن در چهاردهمين روز مهرماه سال 1361، به مولايش امام حسين عليه السلام اقتدا کرده و به ملکوت اعلا پيوست